

حکم قتال با کفار و اهل بغی

محمد مهدی احمدی*، محمد صادق قادری**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۷)

چکیده

یکی از احکام متعالی دین اسلام در بعد اجتماعی جهاد می‌باشد. شاید در نگاه اول، معاندین جهاد را با جنگ که در سایر ادیان و ملل وجود دارد مساوی دانسته و همان احکام را در جهاد نیز جاری بدانند. ولی بحث و سؤال در رابطه با زمانی می‌باشد که امام معصوم (ع) در غیبت بوده و جامعه اسلامی به وسیله نواب خاص با عام او مدیریت می‌شود؛ حکم جهاد در این زمان چیست؟ در اکثر کتب فقهی و با کتاب‌هایی که در آن مباحث جهاد از دیدگاه فقها مطرح شده است جهاد را به دو قسم تقسیم کرده‌اند که عبارت است از جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی. علماء و فقهاء در مورد جواز و مشروعیت جهاد ابتدایی و عدم جواز و مشروعیت آن در عصر غیبت به آیات و روایاتی تمسک جسته‌اند. از جمله قائلین به مشروعیت و جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت می‌توان از شیخ مفید، ابوصلاح حلبی، سلار، آیت‌الله خویی و آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نام برد. و از جمله قائلین به عدم مشروعیت و جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت می‌توان به شیخ طوسی، قاضی ابن براج، محمدبن علی بن حمزه طوسی در کتاب وسیله، محمد بن ادریس حلبی، علامه حلبی، شهید ثانی، صاحب جواهر، امام خمینی (ره) اشاره نمود. قائلین به عدم مشروعیت جهاد ابتدایی در عصر غیبت شرایط و مواردی را برای جهاد ذکر نموده‌اند که عبارتند از: حضور امام (ع)، بلوغ، عقل، اذن و الدین، سلامت جسم و...

کلیدواژگان

آیات جهاد، روایات و احادیث جهاد، جنگ و قتال، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: mahtaj_1356@yahoo.com

مقدمه

جهاد و دفاع رکنی از ارکان دین و بخش مهمی از زندگی هر مسلمانی است. جهاد در فرهنگ اسلام ناب، جایگاهی رفیع، و منزلتی بس والا دارد و در بین عبادات، به مثابه درخشش خورشید نسبت به انوار دیگر ستارگان است.

سابقه جنگ و خونریزی، سابقه‌ای به درازای عمر بشریت دارد. یعنی از همان ابتدای خلقت با کشتن هابیل توسط قابیل و جنگ و خونریزی بین انسان‌ها هم آغاز شد. در ادیان الهی از ابتدای ظهور نسبت به جنگ و خونریزی دو دیدگاه وجود داشت. یکی نسبت به جنگ‌هایی است که از سوی قدرت‌های سلطه برای تسلط بر مظلومین صورت می‌گرفت، که تمامی ادیان الهی آن را نفی می‌کنند و دیگری جنگ‌هایی است که جهت دفاع از مظلومین می‌باشد که در ادیان الهی با نام‌های مقدسی همچون جهاد نام‌گذاری می‌شود و در دین اسلام از قداست خاصی برخوردار می‌باشد. جهاد تفاوت اساسی با تمام جنگ‌های موجود در طول تاریخ دارد؛ چرا که اهداف و زمینه‌های جهاد خاص و ویژه است. جهاد و دفاع رکنی از ارکان دین و بخش مهمی از زندگی هر مسلمان است. بعثت پیامبر گرامی (ص) همراه با برداشتن سنگ‌های مقاومت در برابر دین الهی و استعباد و بردگی فکری انسان‌ها، ضمن جنگ و جهاد با کفار بوده است و در ادامه نیز در زمان بعضی ائمه معصومین (ع) غیر ممکن است، استخراج حکم جهاد از کتب فقهی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد؛ پس به طور کلی حکم جهاد در زمان غیبت چیست؟ جهاد در قرآن مجید از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، به طوری که واژه جهاد و قتال و مشقات این دو کلمه بیش از هفتاد بار (حیدری، ۱۳۶۲، ۱۹) در کلام وحی تکرار شده‌اند و لطیف‌ترین تعبیر در رابطه با مجاهدان به کار رفته ایت و متخلفان از جهاد را مورد نکوهش و انتقاد قرار داده است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند جهاد را برای عزت اسلام قرار داد.» (نهج البلاغه، ۵)

در فضیلت جهاد و ارزش مجاهدان روایات زیادی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل

شده که چند نمونه از آن‌ها را یادآوری می‌شویم:

رسول خدا (ص) فرمود:

«ما اعمال العباد کلهم عند المجاهدان فی سبیل الله انا کمثل خطاب اخذ بمنقاره من ماء البحر» اعمال همه بندگان در مقایسه با (عمل) مجاهدان راه خدا جز مانند قطره‌ای که پرستو از آب دریا برمی‌دارد، نیست. (قرشی، ۷، ۱۴۱۲) و همچنین آمده است: «من لقی الله بغیر أثر من الجهاد لقی الله و فیه ثلمه» (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۱۰) کسی که اثری از جهاد در او نباشد، در حالی که دارای نقیصی است با خدا ملاقات خواهد کرد.

جهاد در لغت و اصطلاح

جهاد از ریشه «جهد» به معنای زحمت، مشقت، توان، طاقت و تلاش بسیار توأم با سختی است. (دهخدا، ۱۳۳۷، ۲، ۱۵۴)

جهاد در اصطلاح فقهی به معنی «کارزار نمودن و ایثار جان و مال در مقابل دشمنان دین که مانع اعتلای اسلام و اقامه احکام الهی می‌شوند.» آمده است و جهاد به این معنی به جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تقسیم شده، که معروف‌ترین تقسیم جهاد است. این مقاله درصدد است تا با کنکاش در کتب فقهی تشیع این مسئله را بررسی نموده و نظرات فقهای تشیع را جمع‌آوری نماید و در انتها با نتیجه‌گیری از نظرات آن‌ها حکم واحدی را در ارتباط با جهاد در زمان غیبت اتخاذ نماید.

احکام جنگ با اهل بغی

از انواع مختلف جنگ‌های اسلامی جنگ با اهل بغی شمرده می‌شود و به این نوع جنگ در آیات قرآن کریم نیز اشاره شده است: و إن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بניהما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تغییء إلی امر الله فان فاءت فأصلحوا بניהما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین؛ (حجرات، ۹) و اگر دو گروه از مؤمنان با هم کارزار کنند میانشان آشتی برقرار کنید، و اگر (باز) یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن که تعدی می‌کند پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر بازگشت میانشان به دادگری آشتی برقرار سازید و عدالت ورزید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

در این آیه، در جمله نخست موردی فرض شده است که دو گروه از مؤمنان به جان هم

افتاده‌اند. بدیهی است در چنین فرضی، یکی از دو گروه یا هر دو گروه، گرفتار هوای نفسانی و اغراض شیطانی است و یا دچار سوء تفاهم و اشتباه شده است؛ چرا که در غیر این صورت، ممکن نیست دو گروه که هر دو مؤمنند قصد جان هم کنند و امنیت و آرامش یکدیگر را به خطر اندازند. در هر صورت، اگر چنین فرضی محقق شود بر سایر مسلمانان واجب است که به جنگ آن دو گروه خاتمه دهند و میانشان صلح و آشتی برقرار کنند. (طباطبایی، ۱۳۳۶، ۱۴، ۲۵) سپس موردی دیگری فرض می‌شود که در آن یک گروه از مؤمنان بر گروهی دیگر تعدی می‌کند؛ یعنی یکی از آن دو گروه به طور آشکار بر گروه دیگر ستم روا می‌دارد و به حقوق آنان تجاوز می‌کند. در این جا طبعاً گروه دیگر به مقابله با این تجاوز و تعدی بر می‌خیزد. بنابر این تهاجم و حمله گروه نخست نادرست و ظالمانه و جنگ و مقابله گروه دوم درست و بر حق خواهد بود؛ چرا که گروه نخست متجاوز است و گروه دوم مدافع. در اصطلاح فقه اسلامی، گروه اول را «باغی» می‌نامند. (ری شهری، ۱۳۶۲، ۲۵۷)

در این جا وظیفه مسلمانان این نیست که میان این دو گروه صلح و آشتی ایجاد کنند؛ بلکه تکلیفشان این است که با گروه متجاوز و «باغی» بجنگند تا دست از بغی و تجاوز بردارد و حق را بپذیرد و به حکم الهی گردن نهد. حال اگر به هر علت، متجاوز دست از تجاوز برداشت و به راه حق باز آمد و فرمان خدای متعال را پذیرفت، در این صورت بر مسلمانان لازم است اصلاح «ذات البین» کنند و میان آن دو گروه به عدل و انصاف، آشتی برقرار سازند. (خویی، ۵۲۴، ۲، ۱۴۱۰). از این آیه کریمه استفاده می‌شود که جنگ مشروع اختصاص به کفار - اعم از کفار ظاهری، مانند مشرکان و اهل کتاب، و کفار باطنی، یعنی منافقان - ندارد، بلکه جنگ با مسلمانان متجاوز، یعنی اهل بغی را نیز در بر می‌گیرد.

برای بغی چند صورت می‌توان تصور کرد:

- نخست آن که، گروهی از مسلمانان بر ضد حکومت و امام عادل و بر حق قیام و خروج کنند و اگر در جامعه اسلامی حکومت حق و عدل برقرار شود کسی حق مخالفت با آن را ندارد و اگر فرد یا گروهی به مخالفت و جنگ با آن برخاست و قصد براندازی و سرنگونی

آن را در سر داشت، چنین فرد یا گروهی را در اصطلاح فقهی «باغی» گویند. باغی احکام خاصی دارد و مسلمانان مکلف به جنگ و مقابله با او هستند. (مصباح یزدی، ۱۳۴، ۱۳۷۸)

- صورت دیگری که برای بغی تصور می‌شود این است که یکی از حکومت‌های اسلامی بر حکومت اسلامی دیگر ستم روا دارد و به آن تجاوز کند. در این حال وظیفه مسلمانان آن است که با کشور متجاوز به جنگ برخیزند و او را وادار به گذیرش حکم حق کنند. یکی از اقسام جنگ‌های اسلامی - به لحاظ نوع دشمن - جنگ با اهل بغی و متجاوزان مسلمان است، که بر دیگر مسلمانان لازم است که تا گردن نهادن طرف متجاوز به حکم حق، با او مقابله و پیکار کنند. (موسوی همدانی، ۵، ۲۰۴، ۱۳۷۴)

جهاد رهایی بخش

از اقسام دیگر جنگ، جهاد برای رهایی مؤمنان ناتوان و در بند یا «جهاد آزادی‌بخش» است. گاهی گروهی از مسلمانان که در کشوری غیر اسلامی و «دار الکفر»، زندگی می‌کنند مورد ظلم و تجاوز قرار می‌گیرند و به هر دلیل (نظیر در اقلیت بودن، قدرت و قوت کفار، و ...) توانایی رویارویی با این تجاوز و ستم را ندارند. از سوی دیگر نیز امکان مهاجرت به «دار الاسلام» و مسافرت به یکی از کشورهای اسلامی و زندگی در کنار سایر مسلمانان برای آنان فراهم نیست. در چنین وضعی بر سایر مسلمانان لازم است که در حدّ توان خود به کمک آن مسلمانان ضعیف و مؤمنان مستضعف و در بند بشتابند و با زورگویان و ستم‌پیشگان حاکم بر آنان بجنگند و موجبات رهایی و آزادی آنان را فراهم سازند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱۳۶)

آیه‌ی ذیل به این نوع جنگ اشاره دارد:

و ما لکم لاتقتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیراً! (نساء، ۷۵)

و شما را چه می‌شود که در راه خدا (برای) رهایی مردان و زنان و کودکان ناتوان نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند بیرون ببر و برای ما از سوی خوش دوست و یاور قرار ده.

دفاع و مقابله به مثل

دو قسم دیگر از اقسام جنگ‌ها، جنگ دفاعی و جنگ قصاصی است. این دو نوع جنگ، اختصاص به طایفه و گروهی خاص، مثل کفار، مشرکان، اهل کتاب، منافقان و ... ندارد، بلکه مسلمانان مکلفند با هر فرد یا گروهی که اندیشه هر نوع تجاوز به مسلمانان (اعم از تعدی بهع مقدسات دینی، عرض، ناموس، جان، مال و ...) را در سر می‌پروراند، بجنگند و او را از این کار باز دارند. این نوع جنگ «دفاع» یا «جهاد دفاعی» نام دارد. (خمینی، ۱۳۸۶، ۲، ۱۲۴) همچنین مسلمانان با هر فرد یا گروهی که به مسلمانان دیگر تجاوز کرده است پیکار کنند؛ که در این صورت، جهاد مسلمانان نوعی «مقابله به مثل» خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱۳۶)

جهاد ابتدایی و احکام آن در قرآن

خداوند متعال برای سعادت، تکامل و آسایش انسان‌ها دستورات و برنامه‌هایی را طرح و به پیامبران خود امر کرده‌اند که این اوامر و دستورها را برای مردم بیان و ابلاغ کنند، حال اگر فرد یا گروهی ابلاغ این فرمان‌ها و دستورات را مزاحم منافع و سرمایه‌های بی‌ارزش خود ببیند و باعث ایجاد مانع در دعوت انبیاء شوند، آنها حق دارند ابتدا از طرق مسالمت‌آمیز، و اگر میسر نشد با توسل به زور این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب و رسالت خود که همان اوامر و دستورات خداوند متعال است را بیان نمایند.

همه‌ی اجتماعات و گروه‌های مردمی این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند، و در قبول دعوت آنها آزاد باشند، حال اگر کسانی بخواهند اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد و آنها را از حق مشروعشان محروم سازند، و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه‌ها حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی از هر وسیله استفاده کنند و از اینجا ضرورت «جهاد ابتدایی» در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد. (پور امینی، ۱۳۶۵، ۲۵)

همچنین اگر کسانی مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آئین سابق باز گردند، برای رفع این فشار نیز از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد. مثلاً جامع اسلامی وقتی در مقابل جامعه کفر قرار

گرفت آن جامعه‌ای که می‌خواهد بشریت را به سوی بی‌دینی سوق دهد و زندگی منهای خدا را در بین انسان‌ها ترویج و تبلیغ کند، وظیفه‌ی جامعه‌ی اسلامی است که با آن جامعه بجنگد. این جهاد، جهاد ابتدایی است و اگر اسم آن را جهاد دفاعی هم بگذاریم با این تعبیر که از حق خدا دفاع کنیم درست است. خدا فرموده است که مؤمنین باید برای هدایت انسان‌های گمراه اقدام کنند بدین صورت که اتمام حجت می‌شود، مقرراتی وضع و ابلاغ می‌شود اگر پذیرفتند که هیچ در غیر این صورت خدا به بندگان خود دستور می‌دهد که با آنها بجنگند و آنها را نابود کنند. جهاد ابتدایی امتحانی است از خدا، که به دست مسلمین بر سر دشمنان خدا فرو می‌ریزد و این امر اسلامی قابل پنهان کردن نیست. و وظیفه‌ی مسلمانان است که از دین خدا دفاع نمایند. (مسائلی، ۱۳۷۱، ۲۰۲)

جواز جهاد ابتدایی در اسلام از ضروریات فقه اسلامی است و در اصل تشریح آن هیچ تردیدی وجود ندارد. فقهای شیعه و سنی در این امر اتفاق نظر دارند و در اصل جواز جهاد ابتدایی اختلافی بین آنها نبوده و نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۱۳۹)

جهاد ابتدایی و احکام آن

جهاد ابتدایی در آیات قرآن، به عنوان تکلیف و وظیفه‌ای دینی برای حاکمیت دین الهی، در روی زمین، واجب شده است. خداوند می‌خواهد همه‌ی بندگان به طاعت و بندگی او گردن نهند و توحید را زینت‌بخش حیات خود سازند. و شرک و بت‌پرستی را که موجب فساد و تباهی دین و دنیاست، کنار بگذارند و حاکمیت زمین از آن بندگان صالح خدا شود.

شهید مطهری در توجیه جهاد ابتدایی چنین می‌فرماید:

آیا آن چیزی که دفاع از آن مشروع است منحصر است به این که حقوق خودی یک فرد یا حقوق خودی یک ملت از میان برود یا در میان اموری که دفاع از آنها واجب است بعضی از امور است که این‌ها جزء حقوق فرد و یا ملت خاص نیست بلکه جزء حقوق انسانیت است. مثلاً آزادی را از مقدسات بشری به حساب می‌آورند حال اگر آزادی در جایی مورد تهاجم قرار گرفت اما نه آزادی من و نه آزادی ملت من، آیا دفاع از این حق به عنوان دفاع از «حق انسانیت» مشروع است یا نه؟... گمان نمی‌کنم کسی تردید کند که مقدس‌ترین جهاد، جنگی است که به عنوان دفاع از

حقوق انسانیت صورت گرفته باشد... این جا فقط یک مساله باقی می‌ماند که آیا توحید جزء حقوق عمومی انسان‌هاست یا جزء حقوق فردی و یا ملی؟ باید بینیم مقیاس حقوق عمومی انسانی و مقیاس حقوق فردی و شخصی چیست؟ ما می‌گوییم توحید با سعادت بشری بستگی دارد، مربوط به این قوم و آن قوم نیست... قرآن جهاد را منحصرأ نوعی دفاع می‌داند و در مورد یک تجاوزی که وقوع پیدا کرده باشد اجازه می‌دهد ولی نمی‌توان جهاد برای بسط ارزش‌های انسانی را محکوم کرد. مساله تجاوز مفهوم عامی است، یعنی لازم نیست تجاوز به جان انسان باشد یا به مال و یا ناموس و یا سرزمین و حتی استقلال و یا آزادی باشد. اگر یک قوم به ارزش‌هایی که آن ارزش‌ها ارزش انسانی به شمار می‌روند. تجاوز بکند باز تجاوز است... پس اگر در یک قانون آمده باشد که از توحید باید به عنوان ارزش انسانی دفاع کرد، معنایش این نیست که تهاجم جایز است، معنایش این است که توحید یک ارزش معنوی است... معنای «لا اکراه فی الدین» این نیست که شما از حوزه توحید هم دفاع نکنید و اگر دیدید «لااله الاالله» به خطر افتاده است این خطر را دفع نکنید. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۵، ۶۴)

و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله فان انتهوا فان الله بما یعملون بصیر؛ (الانفال، ۳۹) و با آنها پیکار کنید، تا [شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین [و پرستش] همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها [از راه شرک و فساد باز گردند، و از اعمال نادرست] خودداری کنند، [خداوند آنها را می‌پذیرد]؛ خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.

آیه فوق به دو قسمت از اهداف مقدس جهاد اسلامی اشاره می‌کند:

۱. برچیدن بساط بت‌پرستی و از میان بردن بت‌کده‌ها، زیرا همان طور که در بحث اهداف جهاد گفته‌ایم آزادی دینی مخصوص کسانی است که از یکی از ادیان آسمانی پیروی کنند، و در برابر آنها اعمال فشار برای تغییر عقیده صحیح نیست، ولی بت‌پرستی نه دین است و نه مکتب بلکه خرافه است و انحراف، و حکومت اسلامی باید نخست از طریق تبلیغ و اگر ممکن نشد از طریق توسل به زور بساط بت‌پرستی را از همه جا برچیند و بت‌خانه‌ها را ویران کند.

۲. به دست آوردن آزادی بیان و تبلیغ و نشر اسلام، در این قسمت نیز اسلام اجازه می‌دهد که اگر کسانی با اعمال خود جلو آزادی عمل مسلمانان را در نشر و تبلیغ و دعوت به اسلام بگیرند آن‌ها حق دارند متوسل به جهاد آزادی‌بخش شوند و راه را برای تبلیغ منطقی بکشایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۷، ۱۶۶)

قائلین به مشروعیت جهاد ابتدایی

برخی از علماء و فقها قائل بر این هستند که اذن امام(ع) در جهاد ابتدایی در عصر غیبت شرط نیست و فقهاء جامع الشرایط نیز می‌توانند در زمانی که مصلحت بدانند حکم جهاد ابتدایی صادر کنند.

شیخ مفید(۳۳۶-۴۱۳ق)

شیخ مفید در عدم شرط اذن امام(ع) می‌گوید: اجرای حدود و وظیفه حاکم اسلامی است که از طرف خدا گماشته شده باشد و آنها پیشوایان هدایت از خاندان پیامبر(ص) هستند همچنین دیگر فرمانروایان و امیرانی که آن‌ها را امامان معصوم(ص) برای این کار نصب کرد باشند(محمدابن نعمان، ۱۴۲۳، ۸۱۰)

آیت‌الله خوئی(ره)

از فقهای معاصر نیز آیت‌الله خوئی(ه) در کتاب ارزشمند منهاج الصالحین به جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت فتوا داده است. ایشان می‌فرمایند: وجوب جهاد در عصر غیبت، بسته به تشخیص مسلمانانی است که در موضوع جهاد اهل خبره هستند و تشخیص می‌دهند که جهاد به مصلحت اسلام است و آنان توانایی کافی از نظر عده و امکانات لازم برای شکست دشمن دارند و به صورت عادی احتمال شکست خود را نمی‌دهند. بنابراین، هنگامی که این شرایط برای آن‌ها فراهم شود جهاد و جنگ با کفار بر آن‌ها واجب می‌گردد. (موسوی، ۱۳۷۴، ۱، ۳۶۳)

آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای جزء افرادی هستند که جهاد ابتدایی را در دوران غیبت جایز دانسته و در نتیجه به عنوان یکی از وظایف ولی فقیه معرفی می‌کنند، معظم له، بحث جهاد ابتدایی را در مجموعه دروس خارج فقه خود مطرح کرده و مبانی و استدلال‌های خویش را در این زمینه مطرح فرموده‌اند. اما متأسفانه در حال حاضر متن این دروس انتشار نیافته است و به همین دلیل امکان اظهار نظر دقیق درباره مفاد و محتوای کامل دیدگاه‌های معظم له وجود نداشته و تنها بحثی که در این زمینه وجود دارد عباراتی است که در پاسخ به یک استفتاء در کتاب اجوبه الاستفتاءات، ذکر شده است که به این شرح می‌باشد: «بعید نیست که حکم به جهاد ابتدایی توسط فقیه جامع الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقوی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ۱۰۴۸)

قائلان به عدم جواز و مشروعیت جهاد ابتدایی در عصر غیبت

مشهور از فقها، و علما قائل بر این دیدگاه هستند که در عصر غیبت، حضور امام معصوم(ع) در جهاد شرط است و بدون حضور، اذن و اجازه امام معصوم(ع) جهاد در زمان غیبت مشروعیت ندارد که به دیدگاه بعضی از این علماء اشاره می‌شود:

شیخ طوسی(ره)

شیخ طوسی(ره) درباب اول از کتاب جهاد نهاییه می‌نویسد:

با فراهم شدن چند شرط، جهاد واجب می‌شود: امام عادل ظهور داشته باشد که بدون فرمان او برای مسلمان‌ها جهاد جایز نیست یا نماینده او برای سرپرستی امور مسلمان‌ها، حضور داشته باشد و سپس آن‌ها را به جهاد دعوت کند. در این صورت بر مسلمان‌ها جهاد واجب می‌شود و باید برای جهاد قیام کنند. (حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۵)

محمدبن ادریس حلی

وی در این باره چنین می‌نویسد:

جهاد با چند شرط واجب می‌شود: امام عادل و دادگری که بدون امر او و وجود او جهاد جایز نیست، در میان مردم ظاهر و آشکار باشد یا کسی که امام او را به سرپرستی امور مسلمان‌ها در خصوص جهاد تعیین کند حاضر باشد و او مسلمان‌ها را به جهاد فرا خواند. در آن صورت جهاد بر آنها واجب است، اما وقتی که امام در میان مردم ظاهر نباشد یا منصوب امام حاضر نباشد جهاد با دشمن جایز نیست. (حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۴۱)

امام خمینی (ره)

از فقهای معاصر نیز حضرت امام خمینی به این عقیده است که در جهاد دفاعی در صورتی که خوف تسلط بر اسلام یا اجتماع اسلامی یا مرزهای ممالک اسلام، از جانب دشمن برود نیازمند اذن امام نیست که از این کلام ایشان بدست می‌آید که در جهاد ابتدایی اذن امام لازم است. ایشان در کتاب شریف تحریر الوسیله می‌فرمایند:

اگر دشمنی که از او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس باشد، بلاد مسلمین و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد، بر مسلمان‌ها واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان، دفاع نمایند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ۳، ۵۰)

قاضی ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق)

ابن براج طرابلسی، از فقهای قرن پنجم است. وی به صورت مفصل در کتاب المهدب و جواهر الفقه به مباحث جهاد پرداخته است. و در این مورد می‌نویسد:

قاضی ابن براج در بحث جهاد کتاب مهدب پس از آن که در جهاد ابتدای دستور امام عادل یا منصوب او را شرط دانسته، می‌گوید:

این که گفتیم: دستور جهاد ابتدایی باید از طرف امام عادل یا منصوب ایشان باشد، برای این است که اگر امام یا منصوب او نباشند شرکت در جهاد جایز نیست. بلی، اگر دشمنان، بر

مسلمان‌ها احاطه شوند و بر وطن و شهر آنها یورش برند آن وقت همه کسانی که در آن شهر زندگی می‌کنند، باید برای حفظ جان و مال از باب دفاع، با آنها بجنگند.

شرایط جهادگران در منابع فقهی

شرایط جهادگران در منابع فقهی عبارت است از: مرد بودن، عاقل بودن، آزاد بودن، داشتن توانایی جسمی و مالی بر جهاد و نداشتن عذر شرعی بر ترک آن، بنابراین جهاد از عهده بردگان، زنان، کودکان، دیوانگان، پیرمردان، نابینایان و کسانی که به سبب شدت بیماری یا به سبب نقص عضو توان جهاد را ندارند، ساقط است. (اصفهانی، ۱۳۷۸، ۲۴)

در اسلام تکلیف شرعی به افرادی که عاقل و بالغ باشند واجب است و به افرادی که به بلوغ نرسیده و ناقص‌العقل باشند و نیز افرادی که قدرت و توانایی بر جهاد ندارند و مریضی او را از پای انداخته جهاد واجب نیست.

نتیجه

در این رساله تلاش بر این بود که دیدگاه فقهاء و علما را در مورد جواز «جهاد و قتال با کفار از منظر فقه امامیه» مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. مطالب این تحقیق در نه بند مطرح شده است و نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. جهاد از دیدگاه قرآن و روایات از اهمیت والایی برخوردار است و همه مفسران معاصر اتفاق نظر دارند که جهاد به عنوان فرمان الهی است که سرپیچی کردن از آن مستوجب عذاب است. با آنکه وجوب آن به صورت واجب کفایی است ولی اطاعت از امر پیامبر(ص) یا امام معصوم(ع) در تمام موارد لازم و ضروری است. موضوع جنگ و دفاع بر جهان اعم از عالم جمادات، گیاهان و حیوانات حاکم است.
۲. جهاد بر دو نوع تقسیم می‌شود: جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی و برای هر یک دلایلی از آیات و روایات وجود دارد. مفسران امامیه با توجه به نظر فقهاء جهاد ابتدایی نیازمند به اذن امام می‌باشد در حالی که مذاهب اهل سنت به چنین اذنی نیاز ندارند.

۳. از مجموع مطالب پس از بررسی دیدگاه فقهاء و علما درباره مشروعیت و عدم مشروعیت جهاد در عصر غیبت با توجه به این که فقهاء و ولی فقیه در عصر غیبت جایگاه امام معصوم(ع) را بر اساس آیات و روایات به عهده دارد پس می توان قایل شد که در صورت لزوم ولی فقیه جامع الشرایط نیز می تواند به جهاد اقدام کند.
۴. فقهاء و بزرگان شیعه نیز همانند اهل سنت، جهاد را فریضه ای از فرایض اسلام و رکنی از ارکان دین و البته واجب کفایی می دانند. اما، بلافاصله فقهاء و بزرگان شیعه قید بسیار مهمی را می آورند و آن این که جهاد ابتدایی جز به حضور و اذن امام عادل - که در فقه سنتی شیعه به امام معصوم تعریف شده است - جایز نمی باشد.
۵. اهداف جهاد از منظر قرآن و حدیث عبارت اند: دفاع از جان و ناموس و مال، دفع تجاوز دشمنان و استعمارگرانف احياء و قامه دین، اصلاح جامعه و عدالت اجتماعی، نابودی ستم و نجات مستضعفان، نابودی فتنه، حفظ مراکز عبادی و مساجد الهی، ریشه کن کردن فساد و طغیان خواهد بود .
۶. جهاد رمز عزت اسلام و خواری دشمنان، ترساندن دشمنان خداوند و دشمنان مسلمانان، مبارزه با انحرافات فرهنگی و نیز حربه ای برای از میان برداشتن موانع است. جهاد به عنوان پایان راه است اما راه مذاکره و صلح از جهاد مقدم تر است.
۷. افرادی که در جهاد شرکت می کنند لازم است که قبل از اتمام حجت اقدام به جنگ نمایند و نیز نهی شده اند از کشتن اطفال، پیرمردان، زنان و افراد ناتوان، خیانت، مثله کردن، کشتن مجروحان، کشف عورت، از پاشیدن سم و همچنین سفارش شده است به حسن معاشرت و خوش رفتاری با افرادی که اسیر شده اند.
۸. در جهاد دفاعی اگر خوف گسترش نفوذ و تسلط کفار بر کشورها و شهرهای مسلمانان برود، جهاد دفاعی بر تمام مکلفین و مسلمین اعم از زن و مرد پیر و جوان و کوچک و بزرگ واجب می شود تا به هر وسیله ای که بتوانند، دفاع نمایند.
۹. دفاع از وطن، جان، ناموس و مال یک ضرورت عقلی است. هیچ عاقلی در برابر تجاوز

بی‌رحمانه به کشور جان و ناموس خود و دیگران سکوت نمی‌کند، پس عقل تجاوز را محکوم و دفاع را می‌پذیرد. زیرا دفاع یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که باید حتماً انجام گیرد و شر دشمن دفع شود. و دفاع دو گونه است: یکی دفاع از اساس و حوزه‌ی اسلام و دیگری دفاع از جان و مال و ناموس در صورتی که مورد تعرض و تجاوز قرار گیرند و هر دو گونه آن بدون نیاز به کسب اجازه از امام واجب می‌باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ادریس، حلی، ۱۴۱۰ هـ ق، سرائر، انتشارات اسلام.
۲. اصفهانی، راغب، ۱۳۷۸، المفردات فی غریب القرآن، انتشارات فرهنگی آرایه.
۳. پور امینی، محمدامین، ۱۳۶۵، از جهاد تا شهادت، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. جمع از نویسندگان (فرازی، صادق حیدری)، ۱۳۶۲، جهاد و دفاع در اسلام، نشر قم.
۵. خمینی، سید روح الله، موسوی، تحریر الوسيله، ج ۲، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۶. خویی، سید ابوالقاسم، موسوی، ۱۴۱۰، منهاج الصالحین، ج ۱، انتشارات مدینه العلم.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷، لغت نامه، تهران، چاپ سیروس.
۸. طباطبایی، علامه محمد حسین، ۱۳۳۶ تفسیرالمیزان، ج ۱۴، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات.
۹. صالحی نجف آبادی نعمت الله، ۱۳۸۶، جهاد در اسلام، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
۱۰. قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲، قاموس القرآن، ج ۷، دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. ری شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان الحکمه، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و سوم.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۰، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ناشر مؤسسه طبع و نشر.
۱۵. مسائلی، محمد و عالیہ ارفعی، ۱۳۷۱، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق بین الملل، انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۸، جنگ و جهاد در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ سوم.

۱۷. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۱۸. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۱۹. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۶، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
۲۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۱. نوری همدانی، حسین، ۱۳۶۶، جهاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۲. هیئت تحریریه، ۱۳۶۲، آیین جهاد، ناشر: روابط عمومی بنیاد نهج البلاغه، چاپ سوم.